

اسلامی برای نجات فلسطین در پیش گرفت و ایالات متحده نیز، هم‌زمان با پشتیبانی بی‌قید و شرط از اسرائیل، از آن حمایت کرد. تپی بودن و عدم کارایی این سیاست با تداوم جنایات اسرائیل و به نتیجه نرسیدن تشکیل دولت فلسطینی به دلیل تجاوز و شهرک‌سازی صهیونیست‌ها آشکار شد. با این همه، ارتباط روشن اندیشان ایرانی در دفاع از روایت غربی با واقعیت قطع شده و آن‌ها نهایتاً «راه حل دو کشوری» را به عنوان بهترین راه تحقق صلح عادلانه در منطقه توصیه می‌کنند، راهکاری که مستلزم به رسمیت شناختن کشوری است که بر اساس اشغالگری بنا شده است و سال‌هاست که از سوی اسرائیل دیکته و از سوی دولت‌های قدرتمند نیز حمایت و ترویج می‌شود. آن‌ها همچنین توجه ندارند که طراحان و حامیان این راه حل نیز در عمل هیچ اقدامی برای دفاع از آن در مقابل تهاجمات اسرائیل نکرده‌اند و همچنان از توسعه طلبی اسرائیل حمایت کامل می‌کنند.

دقیق‌ترین و درست‌ترین قسمت این بیانیه آنجاست که گفته‌اند زخم فلسطین مانع از گسترش «گفتمان اسلام‌مدن و مدارا جو» شده است و موجب شده «گفتمان مبارک و مترقی حقوق بشر» توسط جهان اسلام جدی گرفته نشود. زخم فلسطین به درستی موجب بازنگری در پذیرش مفهوم ذاتاً غربی حقوق بشر شده است، مفهومی که، جز در خدمت منافع و ارزش‌های غربی، نه در مقام نظر تفسیر می‌شود و نه در مقام عمل کارایی دارد. از این‌روست که دولت اسرائیل در مقابل چشمان نهاد‌های حقوق بشری غربی فلسطینیان را حیوان خطاب می‌کند و از نسل‌کشی آن‌ها سخن می‌گوید. در مقابل، مدافع حقوق بشر به سادگی مردم فلسطین را از موضوع قاعده خارج قلمداد می‌کند، بدون اینکه به لحاظ نظری دچار تناقض شود. دقیقاً در جایی که روشن اندیش دینی باید نسبت به معیارهای حقوق بشری و پیش‌فرض‌های ایدئولوژیک آن کنکاش و تشکیک کند، همچنان آن‌را غیرقابل تردید دانسته و رفتار غرب را صرفاً به سیاستی یک‌بام و دو‌هوا یا استناد دارد دوگانه تقلیل می‌دهد. خلاصه اینکه،

**پرداختن به
صهیونیسم
به عنوان ایدئولوژی
اعلامی دولت
اسرائیل مستلزم
بررسی مسئله از
شروع آن است
نه از میانه آن در
سال ۱۹۴۷ و شاید
به همین دلیل
پرداختن به آن برای
نویسندگان بیانیه
دشوار بوده است.
به نظر می‌رسد
روشن اندیشان
دینی همچنان از
درک مفهوم اشغال
یک سرزمین توسط
بیگانه کاملاً
ناتوان‌اند.**

ایدئولوژی حقوق بشر خدشه‌ناپذیر است و به ذات خود ندارد عیبی، عیبی اگر هست از حقوق بشرخواهی ماست.

بخش زیادی از این بیانیه به محکومیت حملات حماس به غیرنظامیان اختصاص یافته و ناشی از پذیرشی بی‌کم‌وکاست از روایت اسرائیلی است. اکنون و پس از نزدیک به یک ماه، با پخش تصاویر دوربین‌ها و روایت شهرک‌نشینان صهیونیست، مشخص شده که بسیاری از اسرائیلی‌ها در تیراندازی کور و بمباران صهیونیست‌ها برای از بین بردن نیروهای حماس کشته شده‌اند. اما نویسندگان بیانیه به سرعت روایت اسرائیلی را بدون تشکیک و بدون سند پذیرفته‌اند. در اینجا نیز پیش‌فرض‌های ارزشی در داوری روایت‌ها نقش دارد: در ذهن اینان مقاومت فلسطین اصولاً حق دفاع یا پاسخ به جنایات صهیونیست‌ها را ندارد، لذا اگر چنین کند بلافاصله روایت غربی در مورد کشتار غیرنظامیان توسط مجاهدان فلسطینی مقبول می‌افتد. از آنجاکه روشن اندیش دینی با مبارزه مسلحانه مخالف و طرفدار مبارزه مسالمت‌آمیز است، در این دعوا ناگزیر طرف اسرائیل می‌ایستد و دفاع مسلحانه حماس را زیر سؤال می‌برد. از این‌رو، همراه با روایت اسرائیل حماس را قاتل غیرنظامی‌ها معرفی می‌کند تا ایده مبارزه مسالمت‌آمیز از آماج انتقادات مصون بماند.

این بیانیه نیروهای حماس را متهم به نقض قوانین بین‌المللی کرده و به روش مبارزه ماندلا در مقابل آپارتاید افریقای جنوبی به عنوان روشی خشونت‌پرهیز بها داده است. این در حالی است که، در سوی دیگر سرزمین فلسطین، مردم کرانه باختری هر روز در اعتراضات مسالمت‌آمیزشان کشته می‌شوند. نتیجه عملی مبنای مسلم و مقدس روشن اندیشان دینی این است که دیگر چیزی از سرزمین‌های فلسطینیان باقی نماند، همچنان که از زمان مصالحه فتح و اسرائیل بسیاری از سرزمین‌های فلسطینیان هرساله به دست صهیونیست‌های مهاجر غصب شده است. همان‌طور که پیش‌تر نیز اشاره شد، این روایت عملکرد جنایتکارانه اسرائیل را به واکنشی در برابر عملیات «طوفان الاقصی» در روز هفتم اکتبر

تقلیل می‌دهد و غضب هرروزه زمین‌های فلسطینیان و کشتار هرروزه آنان را پیش از این عملیات و در کرانه باختری نادیده می‌گیرد. لازم است بار دیگر توجه شود که در کرانه باختری اصولاً حماس وجود ندارد، اما جنایت صهیونیست‌ها به همان شدت ادامه دارد.

آنچه از بیانیه فوق راجع به روشن اندیشان دینی می‌آموزیم این است که پارادایم فکری روشن اندیشی دینی به حامیان آن اجازه می‌دهد کشور اسرائیل را به رسمیت بشناسند. فلسطینیان هم اگرچه به قتل رسیده‌اند و مابقی از خانه و سرزمین اجدادی خود آواره شده‌اند، اما شاید از حقی مسأوی برای داشتن یک سرزمین برخوردار باشند و این هم مشروط به این است که مبارزات خود را به روش مدنی و خشونت‌پرهیز پیش برده باشند.

بخش‌هایی از این بیانیه، به‌ویژه آنجاکه اقدامات رژیم صهیونیستی را موجب عدم اقبال به نسخه مدارا جو از اسلام میان مسلمانان دانسته یا آنجا که این اقدامات را موجب عدم اقبال و تضعیف جناح‌های میانه‌رو فلسطینی دانسته، به‌گونه‌ای است که خواننده در ابتدا تصور می‌کند نویسندگان از موضع حفظ امنیت اسرائیل و برای خیر و صلاح خود اسرائیل تذکراتی داده‌اند نه در دفاع از حقوق فلسطینیان. گویا در اثنا نسل‌کشی و کودک‌کشی اسرائیل، مسلمان روشن اندیش دینی بیش از آنکه دغدغه جان مسلمانان بی‌گناه را داشته باشد دغدغه تضعیف مدل و نسخه مورد نظر خویش از اسلام را دارد. در میانه محاصره کامل و قطع ورود آب و سوخت و غذا برای کودکان غزه، روشن اندیش دینی نگران عدم اقبال گفتمان حقوق بشر به دلیل اقدامات اسرائیل است. این شواهد کاملاً در راستا و مؤید انتقاداتی است که به ایدئولوژی حقوق بشر وارد می‌شود، ایدئولوژی‌ای که در درون خود متضمن ارزش‌های غربی است و انسان غیرغربی، به دلیل عدم پذیرش نسخه مورد تأیید غرب از اسلام و عدم اقبال نسبت به گفتمان حقوق بشر، از دامنه مصادیق مضائق‌الیه بشر خارج شده و اصولاً از دست رفتن جان هیچ‌کودکی کارایی این ایدئولوژی را تهدید نمی‌کند. ▶